

سوره نوزدهم - مریم

این سوره در مکه نازل شده و ۹۸ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

کا. ها. عین. صاد. (از حروف مقطعه قرآن). این یادآوری رحمت پروردگار تو است بر بندهاش زکریا! چون او پروردگارش را خواند گفت پروردگارا! استخوان‌های من ضعیف و سست شده و فروغ پیری بر سرم تافته است. نشد وقتی که تو را بخوانم بی‌جواب مانم! از خویشان و کسان خود برای بعد از مرگم بیم دارم. و همسرم هم نازا است. از جانب خویش فرزندی بر من عطا کن. که جانشین من و آل یعقوب باشد. و خدایا او را فرزند شایسته و پسندیده‌ای قرار ده! (۱ - ۶)

(گفته شد) ای زکریا! تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است و پیش از این هم نامی برای وی قرار ندادیم! گفت پروردگارا چگونه پسری توانم داشت در صورتی که زرم نازا است و من از پیری به فرتوتی رسیده‌ام! گفت چنین است. پروردگارت فرمود این کار بر من آسان است. از پیش نیز تو را، که چیزی نبودی آفریده‌ام! گفت پروردگارا! برای من آیت و نشانی قرار ده. گفت نشانی تو این است که سه شب تمام با مردم سخن نگوئی. پس از عبادتگاه پیش قوم خود شد و به آنان اشارت کرد که خدا را بامداد و شبانگاه تسبیح گوئید. (۷ - ۱۱)

(گفتیم) ای یحیی! این کتاب را محکم بگیر و در طفولیت بدو فرزاندگی دادیم و از سوی خویش رحمت و پاکیزگی عطا کردیم و او پرهیزگار بود. و با پدر و مادرش به نیکویی رفتار می‌کرد و سرکش نمی‌نمود! درود بر او روزی که بزاد و روزی که بمیرد و روزی که زنده برانگیخته شود! (۱۲ - ۱۵)

و در این کتاب داستان مریم را یاد کن در آن دم که از کسان خویش، در جانب شرقی دوری گرفت پس در مقابل آنها پرده‌ای قرار داد. ما روح خویش را به سوی او فرستادیم که مانند انسانی به خلقت تمام بر او ظاهر شد! (مریم) گفت من از تو به خدای رحمن پناه می‌برم اگر پرهیزگار و خداترس هستی! گفت من فرستاده پروردگار توام تا بر تو پسر پاکیزه‌ای عنایت کنم. گفت چگونه ممکن است من صاحب فرزندی شوم در حالی که بشری مرا لمس نکرده و من بدکاره نبوده‌ام! گفت پروردگارت فرمود این کار برای من آسان است تا آن را آیتی بر مردم و رحمتی از جانب خویش بر آنها قرار دهم و مشیت است که قطعیت یافته است! (۱۶ - ۲۱)

پس بدو (عیسی) حامله شد و با وی در مکان دوری گوشه گرفت! پس درد زایمان او را به سوی تنه نخلی کشانید. گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و فراموش شده از یاد رفته می‌گشتم. (چون عیسی متولد شد) از زیر او را ندا داد که اندوه مخور. اینک پروردگارت در زیر تو نهی قرار داد! تنه نخل را به طرف خود تکان بده تا بر تو رطب تازه افکند! بخور و بنوش و چشم روشن دار و اگر کسی را از آدمیان دیدی بگو من برای خدای بخشنده روزه نذر کرده‌ام و امروز با کسی سخت نتوانم گفت! (۲۲ - ۲۶)

آنگاه در حالی که مولود را در بغل داشت او را به سوی قومش برد. گفتند ای مریم! به راستی کار زشتی آوردی! ای خواهر هارون! پدرت مرد بد و مادرت زناکار نبود! او به فرزندش اشاره کرد (که از او پیرسید) گفتند با طفلی که در گهواره است چگونه می‌توایم سخن بگوئیم؟ (۱۷ - ۲۹)

عیسی گفت من بندهٔ خدایم. او به من کتاب داد و نبوت عطا کرد. و هر کجا باشم مایهٔ برکت ساخت. و تا وقتی که زنده باشم به نماز و زکات توصیه‌ام فرمود. و نسبت به مادرم به نیکوکاری سفارش نمود و مرا ستمگار و شقی نگردانید! درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که بمیرم و روزی که برانگیخته می‌شوم! (۲۹ - ۳۳)

این است داستان عیسی بن‌مریم و این است گفتار درست که (یهود و نصارا) در آن شک می‌نمایند! خدا را نشاید که بر خود فرزندی گیرد. او پاک و منزّه است و چون بر وقوع امری اراده کند گوید "باش" و "می‌شود!" و بی‌گمان خدا پروردگار من و پروردگار شما استو او را بپرستید. این است راه راست! (۳۴ - ۳۶)

پس احزاب و دستجات بین خود اختلاف کردند وای بر کسانی که بر حضور یافتن در روز قیامت باور ندارند! روز قیامت که (مردم) پیش ما آیند چه شنویند و چه بینا. ولی ستمگران در آن روز در گمراهی آشکار قرار دارند! (ای رسول) آنها را از روز پشیمانی بترسان. آن دم که فرصت از دست رفته و کار گذشته باشد و آنان در غفلت بمانند و ایمان نیاورند! بی‌گمان این مائیم که وارث زمین و ساکنان آن خواهیم بود و همه به سوی ما بازگردانده می‌شوند! (۳۷ - ۴۰)

در کتاب احوال ابراهیم را یاد کن که او پیامبر راستگویی بود! آنگاه که به پدرش گفت ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه از تو حاجتی برطرف می‌سازد؟! ای پدر! بر من دانشی عطا شده است که بر تو داده نشده پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم! ای پدر! شیطان را پرستش مکن زیرا شیطان بر خدای بخشنده نافرمان است! ای پدر! می‌ترسم که از جانب خدای رحمن بر تو عذابی فرا رسد و تو یار شیطان شوی! گفت ای ابراهیم! آیا تو از معبودان من روی برمی‌تابی؟ اگر از این کار باز نایستی سنگسارت می‌کنم! یک چندی از من دور شو! گفت وداع بر تو ... از پروردگارم به زودی بر تو آموزش می‌طلبم که او بس مهربان است! و از شما و از آنچه سوی خدا می‌پرستید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم امیدوارم که چون او را بخوانم مرا از لطف درگاهش محروم نگرداند! (۴۱ - ۴۸)

و چون از آنان و آن چه آنها جز خدا می‌پرستیدند، کناره گرفت اسحق و یعقوب را به وی عطا کردیم و همه را نبوت دادیم و از رحمت خویش بر آنها نعمت‌ها بخشیدیم و بر آنها زبان راستگوی رسا قرار دادیم! (۴۹ - ۵۰)

و در کتاب از موسی یاد کن که او اخلاص داشت و فرستاده و پیامبر بود. او را از جانب راست طور فراخواندیم و در مقام قربش برگزیدیم. و از لطف و رحمت خویش برادرش هارون نبی را بدو بخشیدیم! (۵۱ - ۵۳)

و یاد کن در کتاب اسماعیل را که عهد و پیمان‌ش صداقت‌داشت و فرستادهٔ پیامبر بود. او کسان خود را به نماز و زکات دستور می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود. (۵۴ - ۵۵) و در کتاب از ادريس یاد کن که او پیامبر راستگو بود. او را به مقام بلندی بالا بردیم! (۵۶ - ۵۷)

اینانند کسانی که خدا بر آنها نعمت داد. از پیامبران، از فرزندان آدم، و از آنان که با نوح در کشتی برداشته بودیم. و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل، و از آنها که هدایت کرده و برگزیدیم. که چون آیت الهی بر آنها خوانده شود گریان و سجده کنندان به رو (به خاک) افتند! اما جانشین آن قوم خداپرست گروهی شدند که نماز را ضایع کردند و پیرو شهوت گشتند و زود باشد که کیفر گمراهی خود را ببینند! مگر آن کس که توبه کند و ایمان آورد

و عمل صالح انجام دهد. پس آنان به بهشت درآیند و هیچ ستمی بر آنها نشود! بهشت‌های جاویدان که خدای بخشنده از غیب به بندگانش وعده داده و وعده او آمدنی است! در آن بهشت‌ها جز سلام سخن بیهوده نشنوند و هر بامداد و شامگاه روزی آنها در آنجا مهیا باشد! این است بهشتی که از بندگانمان آن‌کس را که پرهیزگار باشد به‌ارث خواهیم داد! (۵۸ - ۶۳) و ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگار تو فرود نمی‌آئیم. آن چه در پیش رو و پشت سر ما و میان آنها است متعلق بدو است و پروردگار تو فراموشکار نمی‌باشد! پروردگار آسمان‌ها و زمین و هر چه که میان آنها است. پس او را پرستش کن و در عبادتش صبور باش. آیا برای او همانندی می‌شناسی؟! (۶۴ - ۶۵)

انسان می‌گوید هنگامی که مُردم آیا به زودی از قبر بیرون آورده می‌شوم؟! چرا به یاد نمی‌آورد که پیش از این ما او را آفریدیم در حالی‌که او چیزی نبود. سوگند به پروردگارت که آنها با شیاطین گرد می‌آوریم و همه را به زانو درآمده در اطراف دوزخ حاضر می‌نمائیم! سپس از هر گروه کسانی را که در برابر خدای رحمن سرکش‌تر بودند بیرون آوریم. که البته ما به حال آنهایی که برای سوختن در آتش سزاوارترند دانائیم! و کسی از شما نیست که در آن درنیاید و این وعده بر پروردگارت حتم و واجب گشته است! پس از آن پرهیزگاران را نجات می‌دهیم و ستمگاران را به زانو درآمده در آن رها می‌سازیم! و هرگاه آیات تابناک ما بر آنها خوانده شود کافران به مؤمنان گویند کدام یک از دو گروه به مقام بهتر و به منزل‌گاه نیکوترند! (۶۶ - ۷۳)

چه بسیار اقوام و گروه‌هایی را که پیش از آنها به هلاکت رساندیم که از حیث مال و منظر نیکوتر بودند! بگو به هر کسی که در گمراهی است خدای رحمن زمانی فرصت دهد. تا آن چه را که وعده داده می‌شوند ببینند یا عذاب یا رستخیز، و به زودی بدانند چه کسی در جایگاه بد است و از حیث سپاه ناتوانتر! اما کسانی را که هدایت یافتند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکی‌های پایدار در پیشگاه پروردگارت از حیث ثواب بهتر و نتیجه‌اش نیکوتر است! (۷۴ - ۷۶)

آیا دیدی آن کس را که به آیات ما کفر ورزید و گفت (در قیامت) مال و فرزند به من داده خواهد شد! مگر او از غیب اطلاع یافته یا از خدای رحمن پیمانی گرفته است؟! هرگز چنین نیست. هر چه او بگوید خواهیم نوشت و عذابش را سخت طولانی خواهیم نمود. و آن چه او گوید به ارث به ما می‌رسد و خود تنها پیش ما آورده شود! (۷۷ - ۸۰) کافران به غیر از خدا معبودان دیگری گرفتند که برایشان عزتی باشد. نه، هرگز. زود باشد که این خدایان از عبادت آنها برائت جویند و با آنها خصومت نمایند. مگر ندیدی که ما شیطان‌ها را بر کافران فرستادیم تا آنها را به‌سختی تحریک نمایند! پس تو بر عذاب آنها شتاب مکن که ما حساب روز و ساعت عذاب آنها را به دقت در نظر داریم! (۸۱ - ۸۴) یاد آور که روز قیامت پرهیزکاران را جملگی به سوی خدای بخشنده برانگیزیم. و گناهکاران را تشنه به سوی دوزخ برانیم! در آن‌روز جز کسی که از جانب خدای مهربان پیمانی داشته باشد هیچکس شفاعت کردن نتواند! (۸۵ - ۸۷)

کافران گفتند خدای رحمن برای خود پسری گرفته است! حقا که شما سخن زشتی را بر زبان آورده‌اید! نزدیک شد آسمان‌ها از این گفته ناصواب از هم بدرد و زمین بشکافتد و کوه‌ها متلاشی گردد! که برای خدای رحمن پسری ادعا کرده‌اند! بر خدا سزاوار نیست که فرزندی بگیرد! در آسمان‌ها و زمین هیچ موجودی نیست مگر به بندگی به سوی خدا آمدنی است! به یقین آنها را برشمرده و به شماره کامل همه موجودات آگاه است. و همگی‌شان

روز قیامت تنها در محضر الهی حاضر شوند! (۸۸ - ۹۵)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند خدای بخشنده دوستی آنها را بر دل‌ها افکند. همانا ما آن (حقایق قرآن) را بر زبان تو سهل و آسان ساختیم تا بدان پرهیزگاران را مژده دهی و گروهی را که راه خصومت و عناد پیش گرفتند بیم دهی. و چه بسیار اقوامی که پیش از آنها به هلاکت رساندیم. آیا تو یک تن از آنها را می‌یابی؟! و یا کمترین صدائی از آنها می‌شنوی؟! (۹۶ - ۹۸)